

معماری پارتی

مقاله زیربخشی است از یک کتاب بسیار باارزش به نام معماری باستانی اقوام آسیای مرکزی، که شادروان دکتر گل گلاب نیمی از آن را ترجمه کرده است. امیدواریم روزی ترجمه کامل آن منتشر شود و اطلاعات باارزشی درباره تاریخ معماری در اختیار فارسی زبانان بگذارد.

علت آن که به تمدن و فرهنگ پارتی چندان اعتنایی نشده، این است که حتی تا قرن نوزدهم میلادی، که حفاریهای بزرگ در خاور نزدیک به عمل آمد، کسی در اندیشه بررسی یکی از شهرهای پارتی برنیامده بود. انهدام اشکوبهای مربوط به فرهنگ پارتی توسط یفتوس در حفاریهای ورکه (۱۸۴۹ - ۱۸۵۲) برای دستیابی به تمدن اوروک در بین النهرین و پیترس در حفاریهای نیپور (۱۸۸۸ - ۹۰) صورت گرفت. مطالعات فلاندن و گوست (۱۸۴۰ - ۴۱) و همچنین بررسیهای دیولافوا به طور سطحی در عده کمی از خرابه های بناهای پارتی تاحدی در روشن کردن فرهنگ پارتی اثر داشته است. در حفاریهای باستان شناسی آندره در کلد، آشور و بابل، تمام اشکوبهای رویی را برای دستیابی به آثار آشوری و کلدانی درهم ریختند و ازمیان بردند، درحالی که در آنها آثار فرهنگ پارتی فراوان یافت می شد و می توانست مورد استفاده قرار گیرد.

-
-
- ۶- ترجمه کتاب «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران» اثر م. پتروف (از متن روسی)..... ۱۳۳۶.
 - ۷- کتاب راهنمای گیاهی «گیا» که بیش از چهل سال جهت تدوین آن کوشش شده و تمام گروه های رستنی ها در آن یادداشت گردیده است و نام «گیا» را معادل کلمه لاتینی «فلورا» برای آن انتخاب کرده است. ۱۳۴۰.
 - ۸- ترجمه بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک، برای هنرستان هنر پیشگی.
 - ۹- ترجمه کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگهای اصلی است.
 - ۱۰- ترجمه کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگهای اصلی.
 - ۱۱- مقالات علمی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ در زمینه بیولوژی، در مجله دانش روز، در مدرسه عالی علوم اراک به رشته تحریر درآورده است.
 - ۱۲- در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ مقالات علمی بیولوژی در مجله رازی دانشگاه رازی باختران.
 - ۱۳- جزوه به نام «فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۵۵» به اتفاق آقای دکتر کیا.
 - ۱۴- کتابهای سرودهای مدارس و سرودهای ای ایران و آذربایجان و دانشگاه که در نتیجه همکاری با استادان موسیقی علمی ایران تنظیم گردیده است.
 - ۱۵- ترجمه کتاب تاریخ عکاسی، اثر ژان آ. کیم (از متن فرانسه) ۱۳۶۳.
 - ۱۶- ترجمه کتاب «معماری باستانی در آسیای میانه» (از متن روسی)..... ناتمام.
 - ۱۷- تنظیم و گردآوری فرهنگنامه زیست شناسی..... ناتمام.

با وجود این، چون چند نمونه از آثار پارسی پیدا شد، موجب گردید که برخی از شهرهای پارسی مورد بررسی قرار گیرد. از آن میان می توان کارهای آندره در باره *الحضرة Hatra*، کارهای برستد *Brested* و کومون روستوتسوف *Rostovtsef* در صلاحیه *Dura-Europus* (۱۹۲۲ - ۳۰)، دیبورگ در کوه خواجه سیستان، کار، استین، هرتسفلد و ویلبر در تخت سلیمان را نام برد. مواد اصلی برای بررسی معماری پارسی را در دهه ۱۹۳۰ رویترت تحت عنوان معماری پارسی گردآورد. اکنون باید ببینیم از تحقیقات اشخاص فوق در باره مشخصات فرهنگ پارسی چه به دست می آید. باید بگوییم که در تمام موارد بالا، جز در کوه خواجه، تحقیقات در بین النهرین بوده، که فرهنگ پارسی آورده به فرهنگ یونانی یا رومی بوده است. ولی آیا فرهنگ خاص پارسی، که آنها خود پرورش داده و در سرزمینهای خود معمول ساخته اند یعنی سرزمینهایی که به علت دوری در تحت تأثیر فرهنگ یونانی و رومی قرار نگرفته و نژاد و قومیت آنها آورده نشده - چگونه بوده است؟

حل مسئله فرهنگ باستانی پارسیها فقط از راه بررسی در بقایای محفوظ در این نقاط امکانپذیر است: با وجود آنکه به بقایای آثار پارسی در بر سرسیهای بین النهرین چندان اعتنا نشده است، برخی از محققان خارجی به آن اندیشه افتاده اند و در کتاب **نگاهی به هنر ایران**، فصلی به فرهنگ پارسی اختصاص یافته، که در آن چنین گفته می شود: «زمانی که سبک اصیل پارسی از مشرق به مغرب انتقال داده شده، از آغاز تا حدی به معماری یونانی باختر بستگی داشته. این مسئله هنوز معلوم نیست و بعدها باید حل شود. حفاریهای نسا در نزدیکی عشق آباد اندکی روشنایی بر آن می افکند.»

حل این مسئله مهم برعهده دانش شوروی نهاده شد - از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶ تحقیقات ماروچنکو در شهرکهای نسا معلوم کرد که اشکوبهای دوره پارسی در این نقاط بسیار زیاد است و باید فهرستی از آنها تنظیم شود. نوشته هایی که در این باره منتشر شده تنها بخش کوچکی از این یافته ها را معرفی کرده، که بیشتر زیورها و مجسمه های مربوط به پارت قدیم است و در آنها تأثیر هنر یونانی را می توان حدس زد. غیر از همین آثار کم یونانی باختری و آثار چادر نشینان قزاقستان و کویان و کناره های دریای سیاه در آنها چیز دیگری دیده نمی شود.

برخی از توضیحات دست سوم در باره معماری نسا در نگاهی به هنر ایران منتشر شده است. کوشش در کشف و حل اسرار لوحه های تزیینی نزدیک نسا هم توسط و باز کین به عمل آمده است. بیشتر حفاریهای یوتا که در سالهای ۱۹۴۶ - ۵۴ در حوزه گسترده نسای کهنه و نسای نوبه عمل آمده و موجب کشف آثار مهم هنری و صنعتی مربوط به دوران پیدایش فرهنگ پارسی و شکوفایی آن شده است. علاوه بر این، در نتیجه راهنماییهای هیئت تحقیقاتی، چندین ده، شهر و قریه پارسی کشف شده است. بررسی عمیقتر در این یافته ها موجب آن خواهد شد که تاریخ هنر پارسی و فرهنگ آن بهتر آشکار شود. کشف این آثار از لحاظ تنوع و تعداد بسیار مهمتر از کشفیات دانشمندانی است که در خاور نزدیک به حفاری پرداخته اند. موضوع مهم آن است که این اکتشافات در زمینها و نقاطی به عمل آمده که مختص پارت و هنر و صنایع آن بوده و آثار سرزمینهای دیگر در آن اثر نداشته است. یادگارهای معماری پارسی در شمال شرقی سرزمین بومی آنان بخوبی نمایش دهنده خصوصیات آن دوره است.

شهرها، دهکده ها، دژها، منزلگاهها

بررسی شهرهای پارسی معلوم می کند که آنها را بر روی نقاط مسکونی پیشین نساخته اند، بلکه در کنار آنها یا دورتر بنا کرده اند. بنای برخی از آنها مربوط به نیمه هزاره یکم پیش از میلاد و برخی بعد از آن است. دوران مقدونی و سلوکی در تاریخ ترکمنستان جنوبی نوآوری یا تغییرات زیادی پدید نیاورده است. مهمترین

رویداد آن بوده که این نواحی در تحت تسلط برده داران و حکومت‌های استبدادی درآمد و روش‌های آنان بر بومیان تحمیل شده است. هم اسکندر مقدونی و هم سلوکیها کوشیده‌اند با اشراف محلی روابطی برقرار سازند. اسکندر فقط در صدد تسخیر ممالک و سرزمینها بود و می‌خواست هر چه می‌تواند بیشتر پیش برود و به وضع اجتماعی و فرهنگی نقاطی که فتح می‌کرد اعتنایی نداشت. مورخین از بناهای او در واحه مرغیان یاد می‌کنند که در آنجا پادگانی برقرار ساخته بود و استحکاماتی در دو نقطه شرق و چهار نقطه جنوب آن وجود داشت، به طوری که آنها را از یکدیگر می‌شد دید و در زمان حملات دشمن می‌توانستند با دادن علامت کمک بخواهند. یونانیان پس از مرگ اسکندر، بلافاصله این اسکندریه را رها کردند و حکومت کوتاه آنان بر مرغیان نتوانست در زندگی فرهنگی این واحه اثری برجای گذارد.

ایجاد این شهرهای مقدونی در آسیای میانه تنها برای مقاصد جنگی و لشکرکشی بود. در مورد بنای آنها بر رود سیحون منابع آگاه می‌گویند منظور اصلی محافظت اردو گاهها و ناو گاهها بود و در ساختن آن چنان عجله‌ای داشتند که هفده روز پس از پی ریزی دیوارها سقف زده می‌شد. حتی به علت زیادتی کارگر (که از اسیران و سر بازان تشکیل می‌شد) کارها چنان سریع پیش می‌رفت که توتخی به نوع مصالح نمی‌شد. از مشاهدات باستان شناسی معلوم می‌شود که برای ساختن اسکندریه مرغیان از اهالی ارک قلعه مرو قدیم (که در سده‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد وجود داشت) استفاده کرده‌اند. بنای این اسکندریه موجب آوارگی ساکنان شهر و ساختن بناهای عمومی، معابد و خانه‌های افسران به جای خانه‌های آنان می‌شد، یا از همان خانه‌ها برای این منظور استفاده می‌کردند. بنابر همان اسناد تاریخی، پس از رفتن مقدونیها از مرغیان، مردم بومی این اسکندریه را ویران ساختند. اگر چه بعدها تاحدی از این کار جلوگیری شد.

سلوکیان هم در هنگام تسلط خود بر شرق همان روش اسکندر را دنبال کردند و به بنای سلوکیه و انطاکیه با همان طرح و اسلوب پرداختند، که در آنها پادگان، مراکز حکومتی و نقاط حساس دیگر مانند کاروانسرا و غیره وجود داشت.

در باره اصول فنی این ساختمانها باید گفت که هیچ بستگی به فرهنگ ساختمان یونانی ندارد و در همه موارد از مصالح و طرحهای سنتی محلی استفاده شده است. مثلاً باروی انطاکیه سوتر در اطراف واحه مرو از گلی ورز داده و خشت خام ساخته شده، که از دورانه‌های بسیار کهن در آسیای میانه برای ساختن دیوارها معمول بوده است.

عمده‌ترین کارهای شهرسازی ترکمنستان جنوبی مربوط به دوران سلطنت پارتی است. اشکانیان در ضمن سیاست کشورگشایی خود به فکر محافظت سرزمینهای تسخیر شده خود بودند و اقداماتی برای نگاهداری آنها می‌کردند. برای رده بندی این اقدامات می‌توان از منابع تاریخیهای باستانی استفاده کرد که تاحدی به بررسیهای باستان شناسی کمک می‌کند. از سفرنامه ایزیدور خساراکسی (سده اول میلادی) به نام منزلگاههای پارتی چنین برمی‌آید که آنها محلهای مناسب برای توقف کاروانها بوده است. او در فهرست خود شهرها Polis را از قریه Xome جدا می‌کند. در سرزمین ترکمنستان جنوبی از شهرهای پارتینی Parthioni و پارتاوانسا Parthav Nissa و گاتار و سیرک نام می‌برد که به موجب بررسیهای باستان شناسی شوروی با شهرهای کنونی نسا، آتانیو و کهنه قلعه نزدیک گیاورس Guiaours مطابقت دارد. در آپاوارک تیکن Apavarktiken از شهر آپاوارکتیک نام برده شده و از شهر راگاو Ragau (محل آن معلوم نیست) و دو قریه (که بقایای یکی از آنها نزدیک ایستگاه کوشوت است). در جغرافیای بطلمیوس از شهرهای بیشتری در مرغیان نام برده شده، ولی محل دقیق آنها مشخص نیست.

درمیان شهرهایی که از آنها نام برده شده این نامها دیده می شود: آریاک، سنا (سینا)، آرات، آرگادین، یاسونی، ری، انطاکیه مرو، غوریان، نسا.

برحسب نشانیهایی که داده شده، می توان از روی بررسیهای یوتاکه در ۱۹۵۰ - ۵۲ محل بعضی از شهرها را بازشناخت. یاسونی = چیچان لیک تپه، ارات = آچه تپه، سنا = دورنالی، اریاک = کیشان تپه. باید توجه داشت که همه نویسندگان باستانی از تمام شهرهای بزرگ پارتی نام نبرده اند، چه رسد به شهرهای کوچک. علت هم آن است که اطلاعات آنها از روی گفته های بازرگانانی بوده که از آنها عبور کرده بودند. برخی جاها هم نقاط نظامی بوده که تجارت انحصاری داشته است. یا اطلاعاتشان را از پارتیان به دست آورده بودند که در خارج از میهن خود می زیستند. پس بیشتر این نقاط را می توان محلهایی دانست که منزلگاه کاروانها در سر راه مدیترانه به خاور دور بوده است.

قضاوت درباره شهرهای پارتی که بتوان در آنها از اصول شهرسازی و صنایع شهری اطلاعی به دست آورد، تنها از راه بررسی بقایای محفوظ مانده در آثار باستانی ممکن خواهد بود.

هسته مرکزی (یا در اصطلاح قدیمی قهندز) شهرهای قدیم برده داری در ترکمنستان جنوبی از نقشه شهر قدیمی الکن تپه و شهرک قدیمی سلطان دشت بخوبی معلوم می شود. در این نقاط نقشه آن نزدیک به دایره یا بیضی یا چند گوش است، مانند مرو قدیم (ارک قلعه)، شهر گانار (قلعه آنالیو)، شهر سروک (کهنه قلعه)، شهرک ناشناس پارتی در محل گوگ تپه، نزدیک کارخانه شیشه سازی عشق آباد و غیره. در اطراف این شهرها خانه های مسکونی چندانی دیده نمی شود و فقط باروها و حصارهایی آنها را فرا گرفته است، که مصالح به کار رفته در آنها دیوارهای چینه ای است که چندین رج بر روی هم قرار داده اند. در سده سوم پیش از میلاد و پس از آن خشت خام هم در کنار چینه استفاده شده و تدریجاً خشت خام جانشین دیوارچینه ای گشته است.

ارگهای شهرها در عصر پارتی به شکل چهار گوش یا مستطیل دارای برج و بارو بوده، مانند آچه تپه، چیچان لیک تپه، الی مینگ تپه، دیوقله، گوگ لی، کیشان تپه (همه آنها در شمال باختری بایرامعلی)، در مرغیان، شهرک دنگیل تپه (نزدیک ایستگاه کنونی راه آهن در گوگ تپه) در پارتیان. در ارگ قلعه مرو، بر روی صفحه بلندی، مجموعه ای از ساختمانهای دینی واداری قرار گرفته، که در اطرافشان ساختمانهای مسکونی دیده می شود. این هسته مرکزی در مرو قدیم یک در ورودی داشته که به وسیله خاکریزی با شیب تند با ارگ مربوط می شده است. قهندز را در ارگهای شهرهای آچه تپه و گبک لی هم می توان دید. در شهرکهای دیوقله و دنگیل تپه قهندز در گوشه جنوب غربی ارگ قرار دارد و به شکل چهار گوش است.

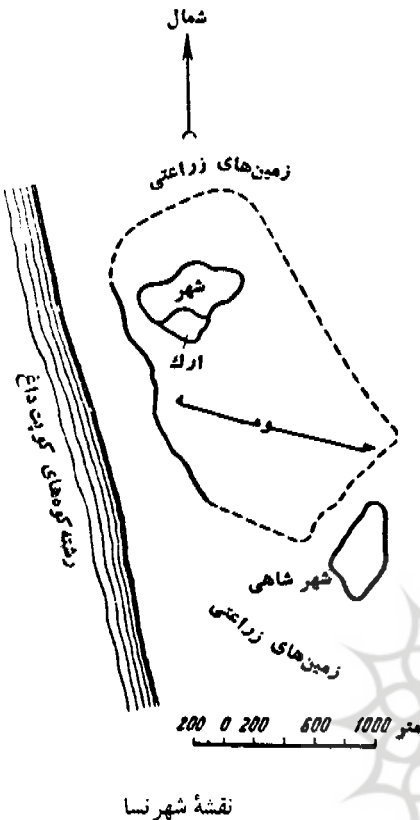
گسترش نظام برده داری، زندگی شهری به تدریج به صورت قلعه نشینی و ساختن قهندز درآمده، که در آن خانه های حکمرانان و اسلحه خانه بخوبی مستحکم شده است و نبض زندگی در خارج از قهندز می زده است. شهر غالباً برج و بارو داشته، که همیشه هم مرتب نبود و بر اثر عوارض طبیعی یا خانه سازی به اشکال مختلف درمی آمد - مانند طرح شهر نسای جدید. ولی مرو (گاورقلعه)، آچه تپه، چیچان لیک تپه، دیوقله و دنگیل تپه دارای باروی منظم و مستطیلی شکل بوده است.

در ضمن باید گفت بسیاری از قریه های بزرگ مسکونی پارتیان فاقد این استحکامات بود، اگر چه هریک ارگی مستحکم داشت.

در ضمن، بررسیهای باستان شناسی نشان می دهد که ابعاد شهرهای پارتی بسیار بزرگ و مساحت آنها از ۱۰۰ تا ۳۰۰ هکتار بوده و استحکاماتی هم داشته اند.

علاوه بر آنچه در ارگ بوده، در پهنه شهر محللهای مخصوصی جداگانه و برزنهایی برای پیشه وران و

بازرگانان، خانه‌های بزرگان و افراد آزاد، بناهایی برای اجرای مراسم دینی و زندگی پیشوایان مذهبی وجود داشت.



نقشه شهر نسا

یکی از ویژگی‌های شهرهای قدیمی ترکمنستان جنوبی بستگی آنها به محیط اقتصادی و اجتماعی بود. در اطراف شهر حومه وسیعی بود برای نیازهای عمومی و مذهبی، تأسیسات اداری، همچنین سزیکاریها، جالیزها و تاکستانها. در شهرهای بزرگ، این حومه هم باروی مخصوصی داشت - مانند مرو، نسا، سیروک، کیشمان تپه.

پس در طرح ساختمان شهری پارتی سه چیز دیده می‌شود: قهندز برای امور نظامی، ارگ یا داخل شهر و حومه (ربض). گاهی دو قسمت اخیر کاملاً از یکدیگر جدا نبود. مشخصات شهرهای پارتی ترکمنستان جنوبی را می‌توان با شرح خاص یکی از نمونه‌ها بهتر روشن ساخت.

در میان شهرهای پارتی در مقام اول باید از شهر نسا نام برد. این شهر در زمینهای روستای باقرکندی قرار داشته و خرابه‌های نسای کهنه و نسای نود قرن گذشته کشف شد و بر اثر تحقیقاتی معلوم گردید که این محل با شهری پارتی یا پارتانسا، که ایزیدور خاراکسی از آن نام برده، مطابقت دارد. بررسیهای باستان‌شناسی دانشمندان شوروی هم این مطلب را تأیید کرد. (نقشه ۱).

بررسیهای باستان‌شناسی نشان داد که نسای پارتی مرکب بوده است از ارگ و خود شهر (که اکنون شهرک نسای نواست) و حومه وسیع و نیمه روستایی دور شهر و در خارج آن محل حکومتی (شهرک نسای کهنه). در گرداگرد حومه شهر بارویی گلی بوده (که ضخامت پایه‌های آن سه متر است). اگرچه نسای کهنه نزدیک آن قرار داشته، ولی دیوارهای ضخیمی آن را به صورت قلعه مستحکمی درمی آورده است. (عکس نسای نوبخشی از دیوار قلعه).

شهر قدیمی نسای نو، چنانکه از لایه‌های باستان‌شناسی برمی آید، بر روی بقایای روستای قدیمتری از هزاره دوم و اول پیش از میلاد ساخته شده است و شکل نامنظم شهر تا حدی این موضوع را نشان می‌دهد. نسای نو در عصر پارتی در پیرامون خود باروی مستحکمی داشته با برجهای چهار گوش. مصالح دیوار از خشتهای ۱۴ تا ۱۰×۲۴×۳۹ سانتیمتر بوده است. در قسمتهای پایین دیوار از ترکیب چینه و خشت استفاده شده است. قسمت عمده این دیوار از قرون وسطی تا سده هجدهم مورد استفاده بوده و چندین بار مرمت شده است، بی آنکه خصوصیت پارتی خود را از دست داده باشد، مخصوصاً قسمت جنوب غربی که بر روی بلندی قرار گرفته و در دوران پارتی نقش قهندز را داشته است.

در اطراف باروها ظاهراً ساختمانها فشرده و جمعیت انبوه بوده، زیرا در این نقاط خرابه‌های دیوارهای



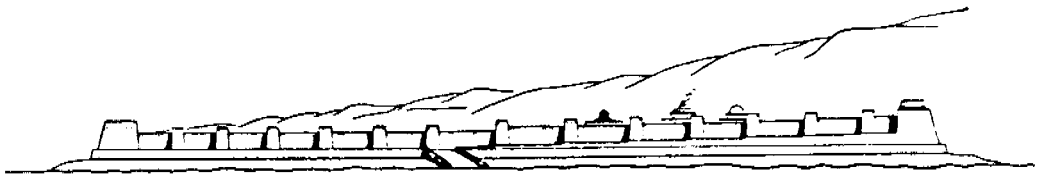
عکس نسای نو، قسمتی از باروی قلعه.

خشتی خانه‌ها به دست آمده است و تکه سفالهایی که مربوط به لوازم زندگی بوده. حفاریهای یوتاکه در این قلعه‌ها بقایای انبارهای بزرگ ذخیره غله را نمایان کرده و همچنین محل‌هایی را که گویا جای ادارات بوده و بقایای سندهای بایگانی را یافته‌اند که بر روی تکه‌های سفال نوشته شده است.

اگرچه با همه اینها نقشه داخل شهر را نمی‌توان مشخص کرد، ولی وضعیت سازمان اجتماعی بخوبی آشکار است. خانه‌های بزرگان شهر از محله مردمان متوسط یا فقرا کاملاً جداست. خانه‌های ثروتمندان در نزدیکی ارگ قرار گرفته و از روی بقایای ظروف سفالی فراوان و خمره‌های متعدد برای غله و شراب بخوبی تشخیص داده می‌شود - خانه‌های اشرافی همچنین در خارج ارگ در شمال شرقی خیابانی که از دروازه قدیمی قلعه به محل چاه فعلی متصل می‌شود، قرار داشته‌اند.

در شمال شرقی شهر، نزدیک بارو، گورستان بزرگان پارتی قرار داشت. در جنوب غربی، بناهای طبقات متوسط و پایین شهری واقع بود. حفاریهای یوتاکه در سال ۱۹۴۹ بقایای گروهی خانه‌های مسکونی پارتی را نشان داد که مصالح آن از جنس خشتهای به کار رفته در ساختمانهای حکومتی نسای کهنه یا در خرابه‌های خانه‌های ارک نَسای نو نبود، بلکه از گل و دیوارچینه‌ای استفاده شده است. پیداست که ساختن خشت متضمن کار بیشتری بوده و خشت بیشتر در خانه‌های ثروتمندان به کار می‌رفته است. کف خانه‌ها از گل فشرده و سقف آنها پوشیده از ساقه‌های نی است. در بررسی اراضی حومه شهر نَسای پارتی، که فعلاً مزارع و ساختمانهای روستایی باقر در آنها قرار دارد، در برخی نقاط پایه‌های سنگی ستونهای ساختمانهای از میان رفته و آجر و تکه‌های سفال دوره پارتی دیده می‌شود، ولی مقدار آنها بسیار کمتر از آن است که در نَسای نو یافت می‌شود. کاملاً واضح است که خصوصیات زندگی در این ناحیه به شکل دیگری بوده و ساکنان آن از دسترنج بردگان و از کشت مزارع و باغها، مخصوصاً تا کستان بهره‌برداری می‌کرده‌اند. (شکل ۲. نَسای کهنه. نمای شمال باختری، بازسازی).

قهندز نَسای کهنه اجتماعی به شکل خاص است. این محل سکونت اختصاصی شاهان یا اعضای سلسله سلطنتی اشکانیان بوده است. جدا بودن آنها از محیط خارج به وسیله دیوارهای مستحکم، نه تنها برای جلوگیری از دشمنان خارجی، بلکه از بیم شورش مردم بومی هم بوده است. حفاریها نشان می‌دهد که در قلعه نَسای کهنه (قهندز) کاخهایی برای نگهبانان و فرماندهان و ساختمانهای مذهبی و خانه‌های اربابی وجود داشته است. در بنای آنها از وضعیت طبیعی زمین بهره‌برداری شده و با استفاده از بلندبندهای اطراف، طرح قلعه را به صورت پنج گوش نامنظم درآورده‌اند که از شمال به جنوب



نسای کهنه: نمای شمال غربی. بازسازی شده.

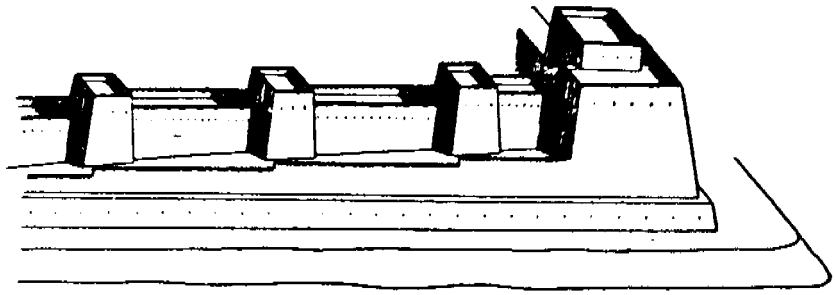
سرازمی می‌شود. در بعضی قسمت‌ها (مخصوصاً در جبهه جنوبی و شرقی) خاکریزی شده و دیوارهای پشت بند از چینه و خشت برای استحکام خاکریزی ساخته‌اند. بلندی طبیعی تپه موجب اختلاف سطح خارجی و داخلی باروی نسای کهنه شده است.

مصلح به کار رفته در باروهای قلعه چینه گلی و خشت خام است. معمولاً چینه‌ها ساختی ناهموار دارد، که در آن قله‌سنگ و تکه‌های کلوخ دیده می‌شود و پیداست که از بقایای دیوارهای کهنه برای ساختن آنها استفاده کرده‌اند. پیه‌های اصلی از گل چینه است که در بعضی از رگه‌های آن خشت خام دیده می‌شود. شکل خشته چهارگوش، اضلاع آن ۳۹ تا ۴۲ سانتیمتر و ضخامتش ۱۰ تا ۱۴ سانتیمتر است. در خشته‌گاه مقدار کمی کاه و گاهی گل رُس یا قله‌سنگ یا تکه‌های سفال دیده می‌شود. وزن این خشته ۱۰ تا ۱۵ کیلوگرم است و فقط در زهای افقی آنها را با ملاط پُر کرده‌اند و این یکی از خصوصیات دیوارسازی پارتی بوده است. چون هر ردیف چینه بالایی اندکی عقب‌تر از پایینی گذاشته شده، یک شیب حدود ۷۵ درجه به وجود آورده است. گاه در چینه‌های دیوارها سوراخهایی دیده می‌شود که جای سرتیرهای ازمیان‌رفته است. با اینکه از استحکامات قلعه اینک چندان چیزی باقی نمانده، ولی از اطلاعات موجود می‌توان دیوارها را به شکل اولی بازسازی کرد.

قلعه پنج گوشه را بارویی احاطه کرده که ضخامتش در پایین ۸ تا ۹ و در بالا ۳ تا ۳/۵ متر است. عرض برجها ۴ تا ۴/۵ متر و پیشامدگیشان از بارو ۳ متر است. در گوشه‌های قلعه برجهایی است که ساختمانشان مفصلتر است.

در بریدگی کوتاه شمال قلعه چهار برج بزرگ نسبتاً نزدیک به هم دیده می‌شود که عرض هر یک ۱۳ متر و فاصله‌شان ۱۷ متر است. برج کناری شمال غربی با زاویه تندی به دیوار شرقی چسبیده و شکلی شبیه دُم پرستومی سازد. این ساختمان ویژه در قلعه‌های باستانی شرق دیده می‌شود.

در زاویه برخورد باروهای شرقی و جنوب شرقی در نسای کهنه برجهای مستحکمی ساخته شده که قسمتی از آنها در حفاریهای سال ۱۹۴۶ یونان کشف شد. این زاویه بازدارای دو بازوی ۲۰ متری است و در بالایش بقایای ساختمانی به ابعاد ۳/۵ × ۶ متر قرار داشته. در زاویه جنوبی قلعه، برج غول بسیار جالب توجه است. این قرارگاه تقریباً چهارگوش است (هر ضلع ۳۵ متر). از آوارهای فروریخته چنین پیداست که نمای منفردی نبوده، بلکه حالت مجتمعی داشته است. این قرارگاه و برج جنوب شرقی بی تردید یکی از نقاط حساس دفاعی بوده، که از دامنه کوه به مشرق کشیده می‌شده است. در طرف مغرب این استحکامات را شهر نسای نو تشکیل می‌داده است. ممکن است قرارگاه جنوبی محل اسلحه‌خانه و دیده‌بانی بوده باشد. از پس و پیشی‌های دیوار داخل قلعه چنین برمی‌آید که در آنجا یک ردیف ساختمان برای سر بازان گارد وجود داشته که به طور دایم تحت فرمان نماینده شاه بوده‌اند.



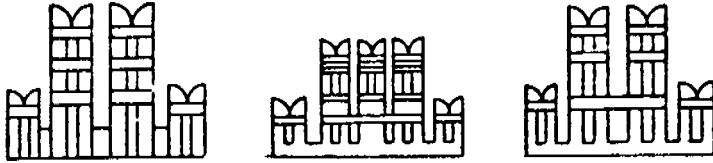
نسای کهنه: دیوار و رامپ.

باروی غربی، که درازتر است، به طرف شهر برگشته و دارای برجهای کوچکی است و تنها زاویه اتصال آن با جبهه جنوب غربی (به شکل قوسی مقعر) دارای استحکامات بیشتر و شیب باروی کمتری است. پس قلعه نسای کهنه از آغاز تا پایان دوره پارتی وجود داشته و تقریباً پانصد سال دایر بوده است، ولی نمی توان گفت در این مدت در آن تغییراتی داده نشده. قسمتی از این تغییرات هم در دروازه های شهر صورت گرفته است.

دروازه همیشه یکی از مکانهای عمده قلعه به شمار می آید. به موجب دستورهای استحکاماتی قدیم، دروازه که از آنجا حمله دشمن به داخل قلعه صورت می گیرد - باید یکی باشد. در حال حاضر در نسای کهنه بقایای رامپهایی بر بالای دیوارها دیده می شود، که در میان آنها مخصوصاً رامپ جبهه شمال غربی مشخص است. این رامپ از نیمه دیوار آغاز می شود و از طرف شهر عمود بر آن است. شیبهای رامپ با قلوه سنگ و ریگ محکم شده و قسمتی از آن تا کنون باقی مانده و امتداد آن را مشخص می کند. بلندی رامپ از سطح زمین ۳/۵ تا ۴ متر است و در تمام طول بارو تا زاویه غربی کشیده شده است. در این محل به برج جنوب غربی می رسد که اندکی پیشامدگی دارد و تمام می شود. یقین است که در این محل دروازه مستحکم و بزرگ قلعه قرار داشته، با راههای پیچاپیچ تا در موقع حمله دشمن عبور از آنها دشوار باشد و نتوانند یکباره به داخل قلعه بریزند. از این گونه دروازه ها در قلعه های قدیمی آسیای مرکزی بسیار می توان یافت، مانند دروازه های قدیمی خوارزم (جاناباز قلعه، توپراق قلعه و غیره) یا قلعه اورتاکورگان نزدیک شهر سبز.

در باره رامپ باید گفت که یکی از روشهای دفاعی قدیمی بوده تا بتوانند در امتداد بارو حرکت کنند و اگر دشمن نسا را محاصره کرد، در طول ۲۸۰ متری و عرض ۴ متر راه در تیررس نگهبانان قلعه قرار می گرفت. چون بلندی رامپ در حدود ۳/۵ تا ۴ متر بوده و در تمام طول دیوار کشیده شده، اگر دشمن حمله می کرد، راه دیگری جزمندان داشت و یورش از پایین جانش را در خطر می انداخت. (شکل ۳. نسای کهنه، دیوار و رامپ). بقایای رامپ کوچک پُرشیب تری در جنوب غربی دیده می شود که رو به بالا می رود و به همان دروازه جنوب غربی می رسد و تصویری رود در آنجا هم یکی از درهای قلعه وجود داشته است. رامپ مهم دیگری هم در امتداد بخش جنوب غربی وجود داشته که به محوطه میان قرارگاههای زاویه می رسید. این رامپ بکلی خراب شده و به زحمت می توان بقایای آن را تشخیص داد.

علایم دیگری نیز هست که نشان می دهد محل اولیه دروازه ها را بعدها مسدود و رامپها را با شیب دیوار همتراز کرده اند و دروازه را در زاویه غربی رو به شهر ساخته اند، که احتمال حمله دشمن از آن کمتر بود.



تصویر قلعه‌ها بر روی سکه‌های پارسی.

معماری قلعه‌نسای کهنه دارای خصایص و سبک بسیار کهن است. بی‌ترتیبی و اقتصادی نبودن محل برجها و چهارگوش بودن و گردنبودن شکل آنها موجب دشواری تیراندازی و سُستی محافظت می‌شده است. دفاع از قلعه به اشخاص بیشتری نیاز می‌داشت.

یکی از مشخصات معماری قلعه‌نسای کهنه پیشامدگیهایی به شکل سکو در ارتفاع ۳ تا ۴/۵ متری است. این پیشامدگیها ظاهراً برای آن بود که تأثیر وسایل قلعه کوپی را خنثی کند. زیرا با این وسایل تنها می‌توانستند پای باروها را بکوبند و بالا بردن آنها به علت سنگینی زیاد امکان نداشت.

حفاریهای سال ۱۹۴۶ معلوم کرد که درمیان دیوارها شکافهایی برای امکان تیراندازی ایجاد شده و این وضعیت بخوبی کمینگاههای تیراندازی را در معماری پارسی نشان می‌دهد. ولی این کمینگاهها تنها در تیره دیوار بوده و جایی برای پناهگاه محافظین دیده نمی‌شود. درپای بعضی از برجها اطاقهای مخفی بسیار کوچکی است (مزغل) که تیراندازان پارسی در آنها جای می‌گرفتند و دشمنانی را که به آنها نزدیک می‌شدند، با تیر می‌زدند. این شکافهای روی دیوار در تمام اطراف قلعه ساخته شده، ولی شماره زیاد آنها بیشتر تأثیر روانی داشته و تنها بعضی از آنها کمینگاه بوده است.

بلندی اولیهٔ برجها و باروی نسای کهنه کاملاً تعیین شده و در برج شماره ۱ حدود ۴ تا ۴/۵ متر است. بام آنها، که تصویری می‌شود از آنجا هم تیراندازی می‌شده دارای جان‌پناه کنگره‌داری بود، که تیراندازی از فاصلهٔ بین کنگره‌ها انجام می‌گرفت. بی‌شک خود بارو هم کنگره‌دار بوده است.

محوطهٔ داخل دیوارهای قلعه‌نسای کهنه فعلاً وضع بسیار درهمی دارد، زیرا که در طی هفده قرن خراب شدن سقفها، دستکاری مردم، زمین‌لرزه‌ها، عوامل جوی و سُستی ساختمانها بتدریج فاصلهٔ میان دیوارها از گل پُر شده و زمین به صورت برآمدگیهای نامرتبی درآمده است.

مهمترین بخشهای آن مجتمع جنوبی است که گرده قصرها و معبدها در آن بوده. در جاهای دیگر، دالانها، درگاهها و اطاقهایی قرار داشته که محل زندگی اربابان بوده است. مجتمع شمالی کوچکتر است و ظاهراً مورد استفادهٔ خاصی داشته، زیرا در آن انبارهایی دیده می‌شود که مربوط به مقبرهٔ شاهان پارسی است. در شهر یک ردیف تلهای کوچکتری است که علامت ساختمانهای پیشین است. یکی از آنها در داخل زاویهٔ جنوب غربی قلعه، یعنی در محل دروازه‌های بزرگ است و محققاً دنبالهٔ دالانهای پیچ در پیچ سابق الذکر است. نزدیک آن، اندکی به طرف شرق، تلهای درازی است که ظاهراً بقایای فروریختهٔ قرارگاه پاسداران بوده است. بقایای این ساختمانها در تمام طول جنوب شرقی بارو و نزدیک قرارگاه اصلی دیده می‌شود. در اینجا بیش از همه محل نگهداری مخصوص شاه قرار دارد. در زاویهٔ شمالی قلعه، نه‌چندان دور از مجتمع شمالی، ساختمانهایی است که جایگاه کارمندان بوده است.

روزنامه

نابغه دانش و مبارز راه صلح

کسی نیست که نام آلبرت آینشتین را نشنیده باشد و یا او را، دست کم، یکی از بزرگترین نمایندگان دانش سده بیستم نداند. ولی، همه کس از مبارزه های اجتماعی و سیاسی او، به خصوص، مبارزه انسان دوستانه او به خاطر صلح، آگاه نیستند. در این جبا، به طور عمده، به این جنبه از زندگی آینشتین توجه شده است و گمان می کنیم که بتواند برای همه خوانندگان مفید باشد. سال ۱۹۷۹، صدسال از تولد آلبرت آینشتین می گذشت و، به همین مناسبت، نشست باشکوهی در برلن (مرکز جمهوری

دموکراتیک آلمان) با شرکت دانشمندان بیش از ۲۰ کشور جهان تشکیل شد. آنچه در زیر می خوانید، برداشتی است از سخن رانی ویلی شتوف در این نشست. ... ما خاطره آلبرت آینشتین را به این دلیل گرامی می داریم که یکی از دلیرترین و پرکارترین اندیشمندان زمان ما بود: به این خاطر که کمتر کسی توانسته است، به اندازه او، در دانش زمان ما اثر بگذارد و به این خاطر که، یکی از بزرگترین دانشمندان طبیعت شناسی بود که تاریخ به یاد دارد. ما در عین حال، به این خاطر به آلبرت آینشتین احترام می گذاریم که انسان دوستی کبیر بود و تمامی



در قسمت مرکزی قلعه بقایای سه استخر قدیمی دیده می شود که استخر وسطی به شکل چهارگوش به وسعت ۴۰۰ متر مربع و به عمق ۴/۵ متر است. پیش بینی آب برای قلعه یکی از مسایل مهم در هنگام تجهیز و بنای آن بوده است. رساندن آب به قلعه ممکن است به طریق طبیعی و به وسیله راه آب سر پوشیده ای در قسمت غربی بوده، که از آنجا به شمال و جنوب برمی گشته است. این راههای آب گاهی به شکل کاریزهای عمیق و گاهی به وسیله ناو است. کاریزها تا زمان کنونی هم یکی از روشهای اساسی تهیه آب در دامنه کوه کپت داغ است. بسیاری از چاههای کهنه قناتها در بالادست ده باقر و دامنه آن، هنوز هم دیده می شود. معماری قلعه نسا نشانه عظمت و قدرت ملتی مقتدر است که بارها سپاهیان روم را در برابر خود به زانو درآورد. این موضوع را نمی توان انکار کرد که ترسیم نسا یعنی اقامتگاه خانوادگی اشکانیان بر پشت بعضی از سکه های دوره اُرد اول، فرهاد چهارم و پاکور دوم، نشانه همین اهمیت است. این تصویرها به شکل خاصی است، ولی به آسانی می توان تشخیص داد بر روی صفا ای بزرگ، بارویی بلند با برجهای برافراشته و کنگره دار ترسیم شده است. (شکل ۴. تصویر قلعه ها بر روی سکه های پارتی).

ترجمه دکتر حسین گل گلاب